

سید مهدی پارسایی\*

سجاد بهرامی مقدم\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۵

### چکیده

دو دولت ایران و مصر و هم‌چنان پس از سه دهه فاقد روابط رسمی دیپلماتیک اند. روابط دیپلماتیک ایران و مصر پیش از ۱۹۷۹ یک بار دیگر در سال ۱۹۶۰ قطع شده بود. پرسش اصلی این مقاله بدین‌صورت است که علل واگرایی در روابط ایران و مصر از زمان وقوع انقلاب اسلامی تا انقلاب‌های عربی کدامند؟ در طول سه دهه گذشته، جهت‌گیری دو دولت نسبت به آمریکا و اسرائیل، حمایت مصر از عراق در جنگ علیه ایران، حمایت ایران از حماس و حزب‌الله موجب «تصور تهدید» در دو دولت نسبت به یکدیگر و به تبع آن واگرایی در بین دو دولت شده بود. به نظر می‌رسد انقلاب ۲۰۱۱ مصر تحولات ظرفیتی در سیاست خارجی مصر ایجاد کرده و زمینه‌های برقراری روابط دیپلماتیک دو دولت فراهم شده است.

کلیدواژه‌ها: مصر، ایران، حماس، حزب‌الله، تصور تهدید، واگرایی

\* parsaei.seyyedmehdi@gmail.com

\*\* sajadbahrami@gmail.com

\* دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای در دانشگاه تهران

\*\* دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل در دانشگاه گیلان

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۲، صص ۵۶ - ۳۱.

## مقدمه

به رغم سیاست عادی سازی هاشمی رفسنجانی، تنش زدایی محمد خاتمی<sup>۱</sup> و اعلام آمادگی محمود احمدی نژاد، دو دولت مصر و ایران هم چنان و پس از سه دهه فاقد روابط رسمی دیپلماتیک اند. روابط دیپلماتیک ایران و مصر پیش از ۱۹۷۹ یک بار دیگر در سال ۱۹۶۰ قطع شده بود. در طول سه دهه گذشته مجموعه ای از عوامل شامل جهت گیری دو دولت نسبت به آمریکا و اسرائیل، حمایت مصر از جنگ عراق علیه ایران، حمایت ایران از حماس و حزب الله مانع از ایجاد روابطی دوستانه در بین دو دولت شده است. انقلاب ۲۰۱۱ مصر موجب تحولاتی ظریف در سیاست خارجی مصر شده و زمینه تجدید روابط دو دولت را فراهم نموده، اگرچه برقراری روابط دو دولت با چالش های جدیدی نیز مواجه شده است. بی تردید در مقاطعی روابط دو دولت رو به بهبود گذاشته و یا عواملی دیگر از قبیل حمایت حسنی مبارک از ادعاهای واهی امارات در خصوص تمامیت ارضی ایران بر روابط دو دولت تاثیر گذاشته است. اما در این مقاله به مهم ترین موانع هم گرایی در روابط دو دولت پرداخته شده است و سپس با توجه به انقلاب اخیر مصر چشم انداز آینده روابط دو دولت بررسی خواهد شد. تلاش بر آن خواهد بود که به دور از باورهای اغراق آمیز در خصوص تاثیرات انقلاب ژانویه ۲۰۱۱ بر سیاست خارجی مصر، تغییرات ظریفی که در سیاست خارجی مصر در پیوند با ایران ایجاد شده است، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

## چارچوب نظری

استفان والت تئوری موازنه تهدید<sup>(۱)</sup> را به عنوان فرمول بندی نوینی از تئوری موازنه قدرت<sup>(۲)</sup> ارائه کرده است. به باور والتز دولت ها در درجه اول نگران امنیت خود هستند، از این رو با این پرسش آغاز می کند که امنیت در برابر چه چیزی؟ به نظر او، امنیت بیش از آنکه در برابر قدرت طرح شود در برابر تهدید طرح می شود. والت در نقد والتز از تمایز بین قدرت و تهدید

1. Balance of Terror

2. Balance of Power

بهره می‌گیرد؛ تهدید و نه قدرت در قلب نگرانی‌های امنیتی دولت‌ها قرار دارد. دولت‌ها ضرورتاً از قدرتمندترین دولت نمی‌ترسند، بلکه از دولتی می‌ترسند که بیشتر از سایر دولت‌ها تهدیدآمیز جلوه نماید. تهدید به نوبه خود تابعی از مجاورت جغرافیایی، توانمندی‌های تهاجمی، نیات و مقاصد تجاوزگرایانه و مجموع قدرت یک دولت است. درک نیات و مقاصد واقعی دولت‌ها دشوار است، به‌علاوه نیات و مقاصد دولت‌ها ممکن است تغییر کند.<sup>۲</sup> همچنین تمیز بین توانمندی‌ها و سیاست‌های تدافعی و تهاجمی دشوار است و ممکن است قابلیت‌ها و سیاست‌های تدافعی یک دولت برای دیگر دولت‌ها به‌عنوان قابلیت‌ها و سیاست‌هایی تهاجمی جلوه نماید. تصور تهدید<sup>(۱)</sup> ممکن است غیرواقعی باشد. دولت‌ها نمی‌توانند از نیات واقعی یکدیگر مطمئن باشند و به‌وضوح بین سیاست‌های تدافعی و تهاجمی یکدیگر تمیز قائل شوند، لذا گاهی نیات و سیاست‌های یکدیگر را به‌گونه‌ای غیرواقعی، تهدیدآمیز می‌یابند. تصور تهدید چه واقعی چه غیرواقعی موجب ترس دولت‌ها می‌شود.<sup>۳</sup>

والت جهت درک سیاست بین‌الملل به ابتکاراتی دست زده است که به‌طور قابل توجهی از محدودیت‌های نظریه والتز کاسته است. والت در این راستا به عوامل سطح واحد از جمله ایدئولوژی دولت‌ها و نقش انقلاب‌ها در اثرگذاری بر شکل‌گیری تصور تهدید پرداخته است. انقلاب‌ها تاثیری شگرف بر توزیع یا فهم تهدید در روابط بین‌المللی دارند و گاه موجب تشدید بدگمانی در بین دولت انقلابی و دیگر دولت‌ها می‌شوند. انقلاب‌ها همچنین موجب تغییر رژیم‌های سیاسی می‌شوند و گروه‌هایی جدید را به قدرت می‌رسانند که ممکن است منافع کشور را به‌گونه‌ای دیگر تعریف کنند. گاهی ممکن است پیوندهای خارجی رژیم‌های پیشین بیش از هر چیز ریشه در بقا و منافع رهبران داشته باشد و رهبران بیش از هر چیز برای جلب حمایت قدرت‌های خارجی از منافعشان به آنها پیوسته باشند. در این صورت جابه‌جایی رهبران پیشین با نخبگان انقلابی جدید تاثیری چشم‌گیر بر روابط خارجی دولت انقلابی خواهد داشت. اگر رهبران برای بقای خویش به ابرقدرت‌ها پیوسته باشند، چنین رابطه غیرمستقارنی آزادی عمل رژیم وابسته

1. Threat Perception

را محدود می‌کند. انقلاب‌ها در چنین حالتی موجب افزایش استقلال عمل دولت انقلابی در عرصه سیاست خارجی می‌شوند. هنگامی که انقلاب موجب تغییر در سرشت رژیم سیاسی حاکم شود، تأثیرات فزاینده‌ای بر سیاست خارجی دولت انقلابی خواهد داشت. دولت‌هایی که دست‌خوش انقلاب‌های بزرگ می‌شوند اغلب تغییراتی وسیع در روابط خارجی آنها به‌وجود می‌آید.<sup>۴</sup> نیروهای انقلابی نامحتمل است که نگاهی مثبت به متحدان و دوستان رژیم پیشین داشته باشند. متحدان رژیم حاکم بعید است که از سقوط رژیم حمایت نمایند؛ چراکه آنها نمی‌توانند نسبت به رفتار آینده نیروهای انقلابی مطمئن باشند. رژیم‌های انقلابی معمولاً با سوءظن به دوستان رژیم پیشین می‌نگرند، به‌ویژه اگر آنها رژیم پیشین را در سرکوب انقلاب کمک کرده باشند.

انقلاب‌ها همچنین با ایدئولوژی‌های جدید همراه هستند. ایدئولوژی‌ها خود از عواملی هستند که بر درک مقاصد و نیت دولت‌ها تأثیر می‌گذارند. هنگامی که دولت‌ها دارای تشابهات ایدئولوژیکی باشند، ممکن است نسبت به نیت و مقاصد یکدیگر با حسن نیت برخورد کنند، اما تشابهات ایدئولوژیکی نمی‌تواند به‌تنهایی موجب پیوندها و تعهدات قوی در بین دولت‌ها شود.<sup>۵</sup> اگر دولت‌ها دارای ایدئولوژی‌های مختلف باشند، احتمال بیشتری وجود دارد که با سوءظن به مقاصد و نیت یکدیگر بنگرند. گاهی انقلاب‌ها با گرایش‌های ایدئولوژیکی همراه هستند که ممکن است با گرایش ایدئولوژیک متحدان و دوستان رژیم گذشته مخالف باشد. اگر ثبات درونی دیگر دولت‌ها مورد تهدید گروه‌هایی با ایدئولوژی مشابه با ایدئولوژی دولت انقلابی واقع شود، بدگمانی‌ها در بین دولت انقلابی و دیگر دولت‌ها تشدید خواهد شد. گاهی گرایش‌های ایدئولوژیک دولت‌های انقلابی به مانعی برای روابط دولت انقلابی با دیگر دولت‌ها تبدیل می‌شود.<sup>۶</sup> به‌طور کلی روابط بیرونی دولت‌ها با توجه به مساله امنیت دولت‌ها شکل می‌گیرد. رفتار دولت‌ها نسبت به یکدیگر تحت تأثیر نگرانی‌ها و مسائل امنیتی قرار دارد، هنگامی که دولت‌ها تصور نمایند با تهدیدی مشترک مواجه‌اند، علیه تهدید به‌هم می‌پیوندند و اگر از جانب یکدیگر احساس تهدید نمایند از یکدیگر دور می‌شوند.<sup>۷</sup>

با توجه به این مقدمه نظری، در ادامه روابط دوجانبه مصر و ایران مورد بررسی قرار

خواهد گرفت. فرضیه مقاله حاضر آن است که: در طول دهه‌های گذشته سه مانع جهت‌گیری دو دولت نسبت به اسرائیل و آمریکا، حمایت مصر از عراق در جنگ علیه ایران و حمایت ایران از حماس و حزب‌الله موجب ایجاد تصور تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر شده و مانع از برقراری روابط دوجانبه دیپلماتیک بین دو دولت شده است. در عین حال، از طرفی انقلاب ۲۰۱۱ مصر موجب تحول در تصور تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر شده و زمینه‌های کلی تجدید روابط تهران و قاهره را فراهم نموده است.

## علل و زمینه‌های واگرایی:

### ۱. جهت‌گیری دو دولت نسبت به آمریکا و اسرائیل

در چند دهه گذشته جهت‌گیری تهران و قاهره نسبت به آمریکا و اسرائیل نقش مهمی در روابط دو دولت داشته است. جمال عبدالناصر که در پی شکست ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ اعراب از اسرائیل به ضعف مصر پی برده بود، باور داشت که اسرائیل به‌عنوان دشمن اصلی مصر «مانیفستش تجاوزگری ابدیست» و دولت‌هایی که به تقویت اسرائیل کمک کنند، در حقیقت امنیت مصر را تهدید می‌کنند. ایران در ۱۹۴۷ جزو دوازده کشوری بود که در سازمان ملل با طرح تجزیه فلسطین مخالفت کرده بود. در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ ایران با قطعنامه ۱۸۱ که از طرح تقسیم فلسطین حمایت می‌کرد، مخالفت نمود. در سال ۱۹۴۸ نیز ایران با پیوستن اسرائیل به سازمان ملل مخالفت کرد.<sup>۸</sup> به‌رغم مخالفت ایران و اعراب، اسرائیل به عضویت سازمان ملل در آمد و پس از آن ترکیه به‌عنوان اولین دولت مسلمان اسرائیل را به‌طور کامل شناسایی کرد. کابینه ایران نیز در ۱۹۵۰ به‌صورت دو فاکتو اسرائیل را شناسایی کرد. محمدرضا شاه برای شناسایی دوفاکتوی اسرائیل دلایل امنیتی خود را داشت. اعراب به این دلیل از فلسطینی‌ها حمایت می‌کردند که آنها را بخشی از سرزمین و ملیت عربی می‌خواندند. ملی‌گرایی عربی علاوه بر اسرائیل لبه تیزی علیه ایران نیز داشت. ایران از منظر ناصریسم در قاهره و ملی‌گراها در بغداد و دمشق کشوری با هویتی متمایز شناخته می‌شد که «سیاست توسعه‌طلبانه‌ای» در حوزه خلیج فارس در پیش گرفته است. به‌علاوه، ایران نگرانی‌های راهبردی مصر، سوریه و اردن را در خصوص اسرائیل نداشت؛ زیرا این کشورها دارای

مرزهایی بودند که از سوی اسرائیل مورد تجاوز قرار گرفته بود. شاه در واقع نه از جانب اسرائیل که از جانب شوروی و ملی‌گرایی عربی احساس تهدید می‌کرد. شاه ایران در شناسایی دفاکتوی اسرائیل، حساسیت اعراب و مخالفان داخلی را مورد توجه قرار داده بود. به همین خاطر هرگز اسرائیل را به طور دوزور شناسایی نکرد. در داخل ایران، روحانیان مذهبی و جبهه ملی و دیگر مخالفان شاه، با شناسایی ضمنی اسرائیل مخالفت کردند و نهایتاً در سال ۱۹۵۲ محمد مصدق کنسول‌گری ایران در اسرائیل را تعطیل کرد و شناسایی دفاکتوی ایران را از اسرائیل پس گرفت.<sup>۹</sup> اما شاه به روابط پنهانی با اسرائیل ادامه داد.

با رشد ملی‌گرایی عربی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ محمدرضا شاه احساس کرد که ایران به محاصره دولت‌های دشمن درآمده است. در این دوره ناصر نفوذ بسیار زیادی در دنیای عرب برای مصر ایجاد کرده بود. ایده‌های پان‌عرب ناصر برای دولت‌های غیرعرب منطقه تهدید محسوب می‌شد. ملی‌گرایان عرب برای تقویت اتحاد کشورهای عربی، ادعاهایی واهی در خصوص بخش‌هایی از حوزه حاکمیت ایران از جمله خوزستان و خلیج فارس طرح می‌کردند. به علاوه ناصر برای مقابله با «تهدید اسرائیل» به شوروی گرایید و خریدهای تسلیحاتی مصر از شوروی افزایش پیدا کرد. به همان اندازه که مصر به شوروی نزدیک‌تر می‌شد، ایران بیشتر احساس تهدید می‌کرد؛ به‌ویژه آنکه شاه دست شوروی را در پس فعالیت‌های حزب توده می‌دید. ایران همچنین با عراق روابط پرتنشی بر سر مرز اروندرود داشت. از لحاظ داخلی شوروی از جنبش‌های چپ مخالف؛ یعنی حزب توده، مجاهدین و فداییان خلق، حمایت می‌کرد. شاه برای مقابله با شوروی و اعراب به اسرائیل و آمریکا نزدیک شد.

هم‌زمان افزایش حمایت‌های آمریکا از اسرائیل موجب می‌شد که ناصر بیش از پیش به ایالات متحده بدگمان شود. در طول دهه ۱۹۵۰، ناصر به این باور رسید که «رژیمش با توطئه‌ای از جانب صهیونیسم و امپریالیسم مواجه شده است». مداخله آمریکا علیه مصدق جهت ابقای محمدرضا شاه و سرنگونی رژیم‌های لومبا، نوریگا و سوکارنو با حمایت غرب، موجب شد ناصر به شدت نسبت به نیات و مقاصد آمریکا ظنین شود. ناصر به‌سوی شرق گرایید، این در حالی بود که شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۸ بیش از گذشته به ایالات متحده وابسته شده بود.

ناصر، شاه را همچون پادشاهی سعودی در «جبهه امپریالیسم» می‌دید.<sup>۱۰</sup> از طرفی در سال ۱۹۵۸ بن‌گورین «رهنامه پیرامون»<sup>۱۱</sup> را طرح کرد که بر اساس آن دولت‌های پیرامونی دنیای عرب شامل ترکیه، ایران، اتیوپی و رژیم صهیونیستی که همگی جهت‌گیری غرب‌گرایانه داشتند و مخالف ناصر و شوروی بودند، می‌بایست در برابر اعراب متحد شوند.<sup>۱۱</sup> برای شاه رهنامه پیرامون فرصتی برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شد. شاه می‌پنداشت که به‌خاطر درگیری آمریکا در ویتنام، اسرائیل می‌تواند در موضوعات منطقه‌ای برای ایران متحدی بهتر از آمریکا باشد. از دیگر دلایل راهبردی محمدرضا شاه، کودتای ۱۹۵۸ عراق بود که همچون کودتای ۱۹۵۲ مصر موجب شده بود که چپ‌گرایان به قدرت برسند. رژیم پادشاهی عراق در پی کودتای ۱۹۵۸ فروپاشید و رژیم جدید به مصر و شوروی گرایش پیدا کرد. رژیم جدید عراق از پذیرش توافق ۱۹۳۷ در خصوص مسائل مرزی ایران و عراق اجتناب کرد، مانع از عبور نفتکش‌های ایران از اروندرود شد و به طرح ادعاهای واهی در مورد خوزستان پرداخت. ناصر از سیاست‌های توسعه‌طلبانه بغداد علیه ایران حمایت کرد در نتیجه شاه ایران بیش از گذشته از جانب اعراب احساس خطر کرد.<sup>۱۲</sup> در سال ۱۹۵۷ بن‌گورین به‌طور پنهانی به ملاقات شاه در تهران آمد. ایران همچنین در تلاویو و بیت‌المقدس دفاتر کنسول‌گری باز کرد، علاوه بر انعقاد قراردادهای سری با اسرائیل، دفاتر توریستی و دفتر آژانس یهود در تهران بازگشایی شد و نهایتاً در ۲۴ ژوئیه ۱۹۶۰ شاه اعلام کرد که به‌صورت دوفاکتو اسرائیل را به رسمیت شناخته است. پس از اعلام نظر شاه، مصر روابط رسمی دیپلماتیک با ایران را قطع کرد.<sup>۱۳</sup> جمال عبدالناصر به حمایت از اسلام‌گراها در برابر شاه پرداخت، رادیوی قاهره «صدای عرب»، شاه را به انتقاد گرفت و اعراب را به قطع روابط با ایران تشویق کرد. اما این امر موجب نشد که شاه از همکاری با اسرائیل خودداری نماید. شاه می‌پنداشت که اسرائیل در واشنگتن نفوذ دارد و می‌تواند برای ایران ابزاری برای نفوذ در سیاست خارجی آمریکا باشد، به‌گونه‌ای که در زمینه ثبات داخلی و تهدیدات منطقه‌ای می‌تواند به ایران کمک کند. شاه روابط تسلیحاتی‌اش را با اسرائیل تقویت کرد. در سال ۱۹۶۶ که ملی‌گرایی عرب

1. Periphery Doctorian

اوج گرفته بود، ایران یک معامله ۶ میلیارد دلاری تسلیحاتی با اسرائیل انجام داد،<sup>۱۴</sup> این در حالی بود که ناصر برای جنگ با اسرائیل آماده می شد.

در سال ۱۹۶۷ اسرائیل و اعراب وارد جنگ شدند. طی جنگ اسرائیل، اعراب را شکست داد و بلندی‌های جولان، بخش‌هایی از لبنان، سوریه و مصر را اشغال کرد. شکست مصر موجب شد که ناصر از شوروی تقاضای بیشتری برای سلاح و مهمات بنماید، اما شوروی انتظار مصر را برآورده نداشت. شکست اعراب موجب تضعیف ناصریسم شد. ناصر رفتار دوگانه‌ای در خصوص اسرائیل در پیش گرفت. از سویی ارتش را برای جنگ آماده می ساخت و از سویی به گفت‌وگو با آمریکا در خصوص اسرائیل تمایل نشان داد. در پی این تحولات در آگوست ۱۹۷۰، روابط دیپلماتیک تهران و قاهره مجدداً برقرار شد. یک ماه بعد ناصر درگذشت و انورسادات به ریاست جمهوری رسید. سادات کارشناسان روسی را از کشور اخراج کرد، با پادشاهی‌های غرب گرا و همچنین آمریکا روابط نزدیکی برقرار کرد. وی به خاطر ضعف اقتصادی مصر تحت فشار بود. از سویی ناصریست‌ها که بخش‌های کلیدی حکومت را در دست داشتند، برای آزادسازی بخش‌های تحت اشغال اسرائیل بیتابی می کردند. در اکتبر ۱۹۷۳ جنگ درگرفت و پیروزی‌های اولیه، دست سادات را برای توافقات بعدی با اسرائیل باز گذاشت. در طول جنگ، ایران برای اعراب کمک‌های پزشکی ارسال کرد و به شوروی اجازه داد که از طریق آسمان ایران به مصر مهمات برساند. هم‌زمان از پذیرش داوطلبان استرالیایی که قصد عبور از طریق ایران به تل‌آویو را داشتند، اجتناب کرد. اما در تحریم نفتی ۱۹۷۳، اعراب را علیه اسرائیل و غرب همراهی نکرد. شاه باور داشت که اگر اسرائیل در جنگ پیروز شود، اعراب رادیکال‌تر خواهند شد و عرصه برای حضور قوی‌تر شوروی گشوده خواهد شد. در مقابل، اگر اسرائیل در برابر اعراب درهم شکسته شود، ایران به تنهایی در مرکز تمرکز اعراب قرار خواهد گرفت. در نهایت سادات رویه عمل بر طبق «اجماع مشترک عربی» در مورد اسرائیل را ترک کرد و وارد مذاکرات دوجانبه صلح با اسرائیل شد. سرانجام در سال ۱۹۷۹ مصر و اسرائیل توافق کمپ دیوید را امضا کردند و وارد برهه «صلح سرد» شدند.

توافق مصر با اسرائیل به هزینه از دست رفتن نفوذ منطقه‌ای مصر تمام شد.<sup>۱۵</sup> در پی مذاکرات سادات با اسرائیل ملی‌گرایی عربی در سیاست خارجی مصر رنگ باخت و شاه چون

گذشته از جانب مصر احساس تهدید نمی‌کرد. لذا تنش در روابط ایران و مصر کاسته شد و روابط دیپلماتیک ایران و مصر دوباره از سر گرفته شد. سادات به‌خاطر صلح با اسرائیل در سطوح منطقه‌ای و داخلی مورد شدیدترین انتقادات قرار گرفت. در سال ۱۹۷۸ اتحادیه عرب در نشست بغداد با تاکید دوباره بر سیاست «عدم مذاکره، عدم صلح، عدم شناسایی» مصر را از اتحادیه اخراج کرد و دولت‌های عربی روابط دیپلماتیک خود را با قاهره گسستند.<sup>۱۶</sup> در سطح داخلی ناصریست‌ها و اسلام‌گرایان مخالف صلح بودند و سرانجام در ۱۹۸۱ سادات توسط خالد اسلامبولی ترور شد. از سوی دیگر، در ایران نیروهایی که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به‌شدت شاه را به‌خاطر روابط پنهانی و شناسایی دوفاکتوی اسرائیل محکوم کرده بودند و توسط ساواک با هم‌دستی سازمان‌های امنیتی اسرائیل سرکوب شده بودند، طی انقلاب ۱۹۷۹ رژیم شاه را واژگون کردند. جابه‌جایی در نخبگان و گرایش‌های ایدئولوژیک انقلاب ایران موجب تغییراتی شایان توجه در سیاست و روابط خارجی ایران شد. امام خمینی (ره) لحنی صریح علیه اسرائیل داشت. وی در دوران مبارزات انقلابی، شاه را «عمله صهیونیست» خوانده بود. نظام انقلابی ایران بلادرنگ روابط با اسرائیل را قطع کرد. در ۸ فوریه ۱۹۷۹ مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت، اعلام کرد که همه روابط شامل فروش نفت و پروازهای تجاری با اسرائیل را قطع خواهیم کرد. فراتر از آن رهبر انقلاب خواستار «محو اسرائیل» شد. سادات تا ۱۹۷۹ مصر را از شرق به‌سوی غرب برگردانیده و با ایالات متحده و متحدان غرب در خاورمیانه روابط نزدیکی برقرار کرده بود. محمدرضا شاه که در فوریه ۱۹۷۹ کشور را به انقلابیون واگذار کرده بود، به مصر گریخت. سادات درخواست استرداد شاه را رد کرد و به سرعت روابط ایران و مصر به وخامت گرایید و در نهایت قطع شد. چندی بعد در ۱۹۸۱ سادات توسط خالد اسلامبولی ترور شد و ایران نام خالد اسلامبولی را بر روی خیابانی در تهران گذاشت. پس از سادات، حسنی مبارک جانشین وی شد. وی به توافق کمپ دیوید متعهد ماند و روابط با ایالات متحده را حفظ کرد. او همچنین از توافق صلح اسلو و توافق صلح اسرائیل و اردن حمایت کرد. به هر صورت، انقلاب باعث خروج ایران از ائتلاف با غرب شده و بر تنش‌های ایران و همسایگان افزود، تنش ایران و عراق به اوج رسید و صدام حسین علیه ایران جنگ را آغاز نمود.

## ۲. حمایت حسنی مبارک از تجاوز عراق علیه ایران

عراق با نسبت بالایی از جمعیت شیعه که از قدرت محروم مانده بودند در مجاورت ایران، انقلاب اسلامی ایران را تهدیدی برای ثبات سیاسی خویش تصور نمود. به علاوه، بغداد تصور می کرد که در پی انقلاب توانایی نظامی ایران برهم خورده و برای عراق فرصتی برای کسب مزیت هایی راهبردی از ایران فراهم شده است. صدام حسین در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ جنگ علیه ایران را آغاز کرد. هدف صدام تصرف بخش وسیعی از قلمرو ایران در طول مرز بود و نه فتح ایران، اما جنگ به جنگی فرسایشی بدل شد. دولت های حوزه خلیج فارس که ثبات سیاسی خود را از جانب گروه های انقلابی مورد حمایت ایران در معرض تهدید می دیدند، از تجاوز عراق علیه ایران حمایت کردند. این جنگ تجاوزکارانه علیه ایران، به حسنی مبارک اجازه داد که در اجماع با دولت های حوزه خلیج فارس در حمایت از عراق علیه ایران، دگرباره روابط مصر را با دنیای عرب بهبود بخشد. سادات، صدام حسین را آغازگر جنگ خوانده بود اما حسنی مبارک به حمایت سیاسی، تسلیحاتی و انسانی از صدام حسین پرداخت. در طول جنگ ۱۲ هزار سرباز مصری به اسارت ایران درآمدند که نشان گر وسعت حمایت مبارک از صدام حسین در برابر ایران است.<sup>۱۷</sup>

مصر برای حمایت از عراق دلایل خود را داشت. دولت های عربی روابط دیپلماتیک خود را با مصر به خاطر توافق کمپ دیوید قطع کرده بودند، لذا مصر در جستجوی بهبود روابط با دنیای عرب بود. در نهایت مبارک توانست پس از تهاجم عراق به کویت فرصتی اساسی برای احیای روابط با کشورهای عربی کسب نماید.<sup>۱۸</sup> رژیم حسنی مبارک همچنین در برابر اشاعه انقلاب اسلامی ایران آسیب پذیر بود. در واقع جنبش اسلام گرایی مصر به رهبری اخوان المسلمین قدرتمندترین نهضت اسلام گرای خاورمیانه محسوب می شد. اخوان المسلمین مصر با ایدئولوژی اسلام سیاسی نیم قرن پیش از انقلاب اسلامی ایران اعلام موجودیت کرده بود. این سازمان از آن هنگام مشغول مبارزه با رژیم های سکولار قاهره بود. در واقع رژیم حسنی مبارک از درون با مبارزات اخوان المسلمین مواجه بود و با توجه به ایدئولوژی اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی ایران، از جانب ایران احساس تهدید می کرد. امام خمینی (ره) رهبر انقلاب به صراحت مردم مصر را به سرنگونی رژیم قاهره ترغیب کرده بود. بر این اساس رژیم حسنی مبارک به عراق به عنوان

ضربه‌گیر و حائلی در برابر انقلاب اسلامی ایران می‌نگریست. احساس خطر رژیم حسنی مبارک از اشاعه انقلاب اسلامی ایران به حوزه خلیج فارس محدود نماند. قاهره همچنین نگران رشد جنبش‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا در لبنان و جوار مرزهایش در فلسطین بود. به این خاطر نگران حمایت تهران از گروه‌های اسلام‌گرای حماس و حزب‌الله شد.

### ۳. حمایت جمهوری اسلامی ایران از جنبش اسلامی حماس

مساله فلسطین تا ۱۹۷۹ به عنوان مساله‌ای عربی شناخته می‌شد.<sup>۱۹</sup> اگر این مساله همچنان مساله‌ای عربی باقی می‌ماند، ایران پس از انقلاب اسلامی فرصت حضور در منازعه اعراب - اسرائیل را نمی‌یافت. رهبر انقلاب بلادرنگ اعلام کرد که مساله فلسطین «مساله امت اسلام است». در ۱۸ فوریه ۱۹۷۹ با ورود یاسر عرفات سفارت فلسطین در دفتر سابق حافظ منافع اسرائیل در تهران گشایش یافت. رهبر انقلاب اسلامی ایران از همان آغاز از سازمان آزادی‌بخش فلسطین به خاطر گرایش‌های ملی‌گرایانه و سکولار انتقاد می‌کرد و از عرفات خواست که «بیش از این در مسیر ایدئولوژی اسلامی قرار بگیرد». ایران همچنین از تجزیه‌ناپذیری خاک فلسطین و مبارزه تا نابودی اسرائیل حمایت کرد. این مواضع در ادامه ایران را از فتح که سازمان آزادی‌بخش را در اختیار داشت، دور می‌ساخت و به جنبش اسلامی حماس نزدیک می‌کرد؛ چه‌آنکه ایران و حماس از عدم مذاکره با اسرائیل حمایت می‌کردند و هر دو مخالف فرایند صلح بودند، در حالی که قاهره طبق توافق کمپ دیوید موجودیت اسرائیل را شناسایی کرده و از فرایند صلح و در واقع مواضع فتح حمایت می‌نمود.

در نوامبر ۲۰۰۴ یاسر عرفات درگذشت و انتخابات جدید فلسطینی‌ها در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۵ برگزار شد که در پی آن حماس با کسب ۵۶ درصد کرسی‌های پارلمان انتخابات را برد. این امر برای حسنی مبارک نگران‌کننده بود. جنبش اسلامی حماس ارتباط تنگاتنگی با اخوان المسلمین مصر دارد. با توجه به گرایش‌های مشترک ایدئولوژیکی‌شان، رژیم حسنی مبارک از جانب آنها احساس تهدید می‌کرد. از انتخابات ۲۰۰۵، تقویت حماس از یک چشم‌انداز منطقه‌ای برای رژیم مبارک تقویت مواضع جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شد. مبارک ضمن حمایت از فتح

به‌عنوان تنها حکومت مشروع فلسطینی از سازش حماس و فتح در جهت موفقیت فرایند صلح حمایت می‌کرد. این در حالی بود که ایران ضمن مخالفت با فرایند صلح از حماس به‌عنوان تنها اقتدار برحق فلسطینی حمایت می‌نمود. مبارک به سازمان حماس در نواز غزه این‌گونه اشاره کرده بود که «ایران یک حکومت جمهوری اسلامی در حیاط خلوت مصر ایجاد کرده است».<sup>۲۰</sup> رژیم مبارک در راستای مخالفت با گرایش‌های اسلامی حماس و در جهت حمایت از روند صلح به‌طور ضمنی از تهاجم اسرائیل به نوار غزه در اواخر ۲۰۰۸ میلادی و سپس تحریم و محاصره این منطقه حمایت کرد. ایران در واکنش به مواضع قاهره نسبت به تهاجم اسرائیل به غزه، مصر را به انتقاد گرفت. مبارک در پاسخ به مواضع ایران اظهار داشت: «به آنها می‌گوییم که بهره‌برداری از مباحث فلسطین را متوقف نمایند و نسبت به خشم و غضب مصر آگاه باشند».<sup>۲۱</sup> یک بار وزیر خارجه مصر اظهار داشته بود که ایران برای ایجاد بازدارندگی در برابر آمریکا، نفوذ در خاورمیانه را در پیش گرفته است.

#### ۴. حمایت جمهوری اسلامی ایران از حزب‌الله

حزب‌الله که از ۱۹۸۲ فعالیت‌هایش را شروع کرده بود در ۱۹۸۵ اعلام موجودیت کرد.<sup>۲۲</sup> حزب‌الله در طول زمان از یک گروه خرد به یک سازمان قدرتمند با توانایی‌های نظامی قابل توجهی تبدیل شده است. در دوره ناصر مصر بر توده‌های دنیای عرب از جمله شیعیان لبنان نفوذ داشت، اما پس از آن مصر هرگز نفوذ قابل توجهی بر جامعه شیعی لبنان پیدا نکرد. در عوض حزب‌الله لبنان پیوند بسیار نزدیکی با جمهوری اسلامی ایران دارد. به‌عبارتی حزب‌الله لبنان، متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و هر دو منافع مشترک در مواجهه با تهدید اسرائیل دارند. رژیم مبارک در همراهی سیاست‌هایش با اسرائیل، اردن، عربستان و آمریکا در لبنان به مخالفت با حزب‌الله می‌پرداخت. مبارک نگران روابط حزب‌الله لبنان با اخوان المسلمین و همچنین حماس بود و در مقیاس منطقه‌ای روابط حزب‌الله با ایران را نشانه‌ای از موفقیت جمهوری اسلامی ایران در نفوذ در معادلات دنیای عرب می‌دید. رژیم مبارک به حزب‌الله به‌عنوان ابزار ایران برای اثرگذاری در منازعه اعراب – اسرائیل می‌نگریست. حزب‌الله

برخلاف رژیم مبارک از مواضع حماس در مخالفت با اسرائیل حمایت می نمود. مصر که خواستار تضعیف حزب الله بود، در جنگ ۳۳ روزه جانب اسرائیل را گرفت و حزب الله را به خاطر «ماجراجویی های غیرمسئولانه اش» سرزنش کرد.<sup>۲۳</sup> اما حزب الله نهایتاً با حمایت سیاسی- معنوی ایران، رژیم صهیونیستی را شکست داد. این امر با توجه به شکست های پی در پی دولت های بزرگ عربی از اسرائیل بر اعتبار حزب الله و جمهوری اسلامی ایران افزود، به گونه ای که ملک عبدالله، پادشاه اردن، در این خصوص اظهار داشت که همه چیز پس از تابستان ۲۰۰۶ تغییر یافته است و «هلال شیعی» از ایران تا لبنان در صدد واژگونی توازن قوای منطقه ای برآمده است.<sup>۲۴</sup> پس از جنگ توازن درونی قدرت در لبنان به نفع حزب الله و متحدانش دگرگون شد که بر خصومت رژیم مبارک نسبت به حزب الله و ایران افزود. در آوریل ۲۰۰۹، مصر اعلام کرد که شماری از نیروهای حزب الله را در قلمرو خود دستگیر کرده است. حکومت مصر حضور نیروهای حزب الله را در خاک مصر به قصد «انتقال مهمات به غزه»، تلاش ایران و حزب الله برای تعرض به امنیت ملی مصر خواند و ایران را به این خاطر محکوم کرد.<sup>۲۵</sup> قاهره حمایت ایران از حماس و حزب الله را عامل تقویت اسلام گرایی در منطقه و تهدیدی برای مصر تصور می نمود و بارها ایران را به حمایت از اسلام گرایان و تلاش برای واژگونی رژیم مصر متهم کرده بود.

### روابط ایران و مصر در مصر پسامبارک

روابط ایران و مصر در طول دهه های گذشته همواره تحت تاثیر نگرانی های امنیتی دو دولت قرار داشته است. مواضع مقامات دو دولت و نام ها و نشانه هایی چون «مزار شاه» در مصر یا «خیابان خالد اسلامبولی» دلایل تعارض و اختلاف دو دولت نبوده اند، این مواضع و نمادها تجلی نگرانی هایی بوده اند که دو دولت در خصوص امنیتشان داشته اند.<sup>۲۶</sup> در پس اختلافات نمادین دو دولت، ترس امنیتی یا به عبارت بهتر تصور تهدید نهفته است. تصور تهدید یک مساله ادراکی است که تحت تاثیر متغیرهای متعددی در دو دولت ایجاد شده است. به عنوان نمونه، محمد رضاشاه در داخل ثبات سیاسی رژیم را در معرض تهدید توده ای ها می دید و با توجه به فعالیت توده ای ها و دیگر گرایش های چپ در درون کشور در سطح بیرونی از شوروی و متحدان

منطقه‌ای‌اش ترس داشت. همچنین ناصریسم را موجب تقویت ادعاهای واهی بغداد علیه ایران می‌دانست، به‌همین دلیل جهت رفع این نگرانی‌ها به اسرائیل و آمریکا نزدیک شد. از طرفی، ناصر از جانب اسرائیل احساس تهدید می‌کرد و با توجه به پشتیبانی غرب از اسرائیل به‌ناگزیر برای مقابله با تهدید اسرائیل به شوروی نزدیک شد. از سوی دیگر، ایدئولوژی ملی‌گرایی عربی را برای نفوذ در دنیای عرب و جلب حمایت اعراب علیه اسرائیل به‌کار گرفت. این ملاحظات تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ رفتار دو دولت را نسبت به یکدیگر شکل می‌داد. تا اینکه گرایش به مذاکره با اسرائیل و روی برگردانی مصر از شوروی موجب نزدیکی تهران و قاهره شد، تا جایی که وقتی در سال ۱۹۷۱ جزایر سه‌گانه تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی به ایران بازگردانده شدند، قاهره رویه معتدلی نسبت به این مساله در پیش گرفت.

از ۱۹۷۹ دگرگونی نظام سیاسی ایران از یک پادشاهی سکولار به یک جمهوری انقلابی با ایدئولوژی اسلام سیاسی دگرباره معادلات را تغییر داد. عراق در سال ۱۹۸۰ پس از دهه‌ها دست‌اندازی به مرزهای ایران، سرانجام دست به یک جنگ تمام عیار علیه ایران زد؛ امری که با حمایت وسیع مصر مواجه شد. گرایش ایدئولوژیک ایران انقلابی، آن را به حمایت از مسلمانان فلسطینی در برابر اسرائیل ناگزیر می‌ساخت. این‌بار ایران، مصر را به‌خاطر روابط نزدیک با اسرائیل آماج انتقادهای قرار داده بود، در حالی که رژیم قاهره امنیت مصر را در گرو صلح با اسرائیل می‌دید و بیش از هر چیزی از جانب اسلام‌گرایان احساس ترس می‌کرد. با توجه به دیدگاه متفاوت ایران نسبت به فرایند صلح اعراب-اسرائیل و حمایت ایران انقلابی از اسلام‌گراهای شیعی لبنان و دیدگاه‌های اخوان المسلمین، رژیم مبارک از سوی ایران احساس تهدید می‌کرد. به‌علاوه یک مساله مهم وابستگی مبارک به آمریکا بود؛ مساله‌ای که همچون ایران در دوره محمدرضا شاه، آزادی عمل مصر را در حوزه سیاست خارجی محدود می‌کرد. پس از انقلاب مصر در ۲۰۱۱، رهبر پیشین از قدرت خلع، رژیم دست‌خوش تغییر گردیده و نیروهای جدیدی با گرایش ایدئولوژی اسلامی در مصر در حال قدرت‌گیری هستند. از جمله اخوان المسلمین که به‌عنوان مخالفان سرسخت رژیم‌های پیشین مصر بعد از بیش از نیم قرن مبارزه سیاسی در انتخابات پارلمانی مصر پس از انقلاب به همراه سلفی‌ها کرسی‌های پارلمان مصر را کسب نمودند و

توانستند محمد مرسی را به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور انتخابی غیرنظامی مصر راهی کاخ ریاست‌جمهوری کنند. از فوریه ۲۰۱۱ که انقلاب به پیروزی رسید، نشانه‌هایی از تغییر در سیاست و روابط خارجی مصر ظاهر شده است. ملاحظات مصر در دوره جدید نسبت به مسائلی که تاکنون به‌عنوان موانع روابط مصر و جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شدند، دچار تحول شده و فرصت‌هایی برای تهران و قاهره فراهم آورده است که روابط دیپلماتیک فی‌مابین را مجدداً برقرار نمایند.

### ۱. نگرش نخبگان جدید مصر نسبت به اسرائیل و آمریکا

اتحاد بین کشورهای کوچک و ابرقدرت‌ها اتحادهای نامتقارنی هستند. اغلب رهبران کشورهای جنوب برای بقای خود دست به اتحاد با ابرقدرت‌ها می‌زنند، این‌گونه اتحادها حوزه استقلال عمل دولت‌های کوچک را در عرصه سیاست خارجی محدود می‌کنند.<sup>۲۷</sup> رژیم مبارک برای حفظ بقای خویش ناگزیر بود سیاست خارجی مصر را با سیاست‌های ایالات متحده منطبق نماید، درحالی‌که ایران و آمریکا منافع ژئوپلیتیکی متعارضی دارند. از سویی ایران سرگرم توسعه توانایی‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، دفاعی، اقتصادی و گسترش نفوذ منطقه‌ای در خاورمیانه است و از سوی دیگر، ایالات متحده در سطح بین‌المللی در تلاش است یک اجماع جهانی علیه ایران شکل دهد و تلاش می‌نماید تا مانع از گسترش روابط ایران با دیگر حکومت‌ها شود.<sup>۲۸</sup> مبارک سیاست خارجی مصر را با سیاست آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه که مولفه مهم آن انزوای ایران بود، منطبق کرده بود. حال، انقلاب مصر موجب تقویت استقلال عمل مصر در حوزه سیاست خارجی شده است. فواز جرجس، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه در مدرسه اقتصادی لندن، معتقد است که «در ماه‌های آینده شاهد تلاش مصر برای بازتعریف سیاست خارجی‌اش خواهیم بود. در مصر حمایت قوی از اتخاذ سیاست خارجی وجود دارد که برخلاف گذشته انعکاس قوی از سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده نباشد».<sup>۲۹</sup> ابراهیم منصور، از کارشناسان الاهرام، بر این باور است که «رژیم حسنی مبارک در سیاست خارجی سرنخ‌های واشنگتن و تل‌آویو را گرفته بود» و سیاست مصر را با اهداف خاورمیانه‌ای اسرائیل و آمریکا منطبق کرده بود. قاهره پس از مبارک

نشان داده است که تمایل چندانی به انطباق سیاست خارجی خود با سیاست خاورمیانه‌ای اسرائیل و آمریکا ندارد.<sup>۳۰</sup> عمر موسی اظهار داشته است که مصر از اسرائیل و آمریکا فاصله خواهد گرفت و مصر می‌خواهد به‌عنوان یک شریک در مسائل بین‌المللی نگریسته شود.<sup>۳۱</sup> الی شاکید، دیپلمات پیشین اسرائیل در قاهره، هم گفته است: «تنها افراد معدودی که در مصر به صلح با اسرائیل متعهد هستند، نزدیکان حسنی مبارک‌اند که به‌طور قطع ریس جمهوری بعدی مصر از میان آنها نخواهد بود بنابراین ما با معضل مواجه خواهیم شد».<sup>۳۲</sup>

برای بیش از سی سال فقدان جنگ بین اسرائیل و دولت‌های عربی بر شالوده معاهده کمپ دیوید استوار بوده است. در اسرائیل این باور وجود دارد که توافق صلح با مصر شالوده ثبات در خاورمیانه است و در پی این توافق بود که شانس جنگ زمینی اعراب علیه اسرائیل از بین رفت.<sup>۳۳</sup> اسرائیل بودجه دفاعی خود را از ۲۳ درصد تولید ناخالص ملی در دهه ۱۹۷۰ به حدود ۹ درصد کنونی رسانید. درست است که پس از انقلاب، شورای نظامی حاکم بر مصر که اداره موقت کشور را در دست گرفت، بلافاصله اعلام کرد که مصر به تعهدات بین‌المللی خود از جمله توافق صلح با اسرائیل متعهد باقی می‌ماند و محمد مرسی رئیس‌جمهور نیز تلویحا این مساله را پذیرفت، اما حفظ توافق صلح با اسرائیل به‌معنای حفظ روابط گذشته نیست. محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین، درسایت خبررسانی این سازمان نوشت که «پارلمان بعدی، مصر را برای بازنگری در توافق کمپ دیوید فرا خواهد خواند».<sup>۳۴</sup> این امر به‌معنای بازنگری در پاره‌ای از توافقات گذشته ازجمله افزایش نیروهای مصر در سیناست. سعید حمید باور دارد که اخوان المسلمین به‌شدت ضد اسرائیلی هستند و آنها اعتقادی به حمایت از فرایند صلح ندارند.<sup>۳۵</sup> جان‌اتان کوک بر این دیدگاه تکیه دارد که «روابط مصر و اسرائیل در مسیر تغییر قرار گرفته است و حکومت مصر از اسرائیل فاصله خواهد گرفت ... در مصر افکار عمومی خواستار احیای وضعیت قدرت منطقه‌ای مصر است که به‌طور طبیعی این امر روابط مصر و اسرائیل را تغییر خواهد داد».<sup>۳۶</sup> در کنگره ایالات متحده نیز بسیاری باور دارند که مصر خواستار تعقیب یک سیاست خارجی مستقل است و از آمریکا فاصله خواهد گرفت، این امر با نگرانی مقامات کلیدی کنگره مواجه شده است.<sup>۳۷</sup>

پس از حسنی مبارک، مصر می‌تواند در پرتو نقش ویژه ارتش روابط دوجانبه با اسرائیل و آمریکا را حفظ نماید، اما روشن است که برخلاف دوره مبارک سیاست خارجی مصر از استقلال عمل بیشتری برخوردار خواهد شد. در دوره وی نخبگانی که خواستار تجدید روابط با ایران بودند؛ از جمله عمرو موسی، به حاشیه رانده شده بودند و افرادی چون عمر سلیمان صدایی قوی‌تر در سیاست‌های قاهره داشتند. پس از انقلاب نخبگان قدرت جابه‌جا شده‌اند. به گزارش واشینگتن پست، عمرو موسی که از نامزدهای ریاست جمهوری مصر نیز بود، اظهار داشته است: «مباحث هسته‌ای خاورمیانه اشاره به اسرائیل و سپس به ایران است ... و ایالات متحده و مصر ممکن است به‌زودی بر سر مباحثی از قبیل اینکه آیا تحریم‌ها پاسخی صحیح به «جاه‌طلبی‌های» هسته‌ای ایران است یا نه از هم دور شوند».<sup>۳۸</sup> با توجه به چینش قدرت در دو سطح؛ یعنی نقش توأم ارتش و اخوان المسلمین، قاهره روابط با آمریکا و اسرائیل را حفظ خواهد کرد اما نه به هزینه قطع روابط با ایران. در بین گروه‌ها و احزاب مصری اجماعی در خصوص کیفیت نقش منطقه‌ای مصر وجود ندارد، اما حمایتی قوی از گرایش رییس جمهوری به تنوع‌بخشی در روابط خارجی کشور دارد. محمد مرسی جهت‌گیری یک سویه سیاست خارجی مصر به سوی غرب را تغییر داده است؛ از جمله آنکه در چارچوب نشست جنبش عدم تعهد به ایران سفر نمود. این اولین دیدار یک رییس جمهور مصر در طول سه دهه گذشته از تهران بوده است. در حاشیه این نشست، مرسی و رییس جمهور ایران با یکدیگر ملاقات کردند. در طی این دیدار مرسی به رییس جمهور ایران از انتظارات دنیای عرب در خصوص نقش ایران در بحران سوریه گفت. وی در جریان بازدید از ریاض طرح تشکیل گروه چهارجانبه متشکل از ایران، عربستان، ترکیه و مصر را برای حل و فصل بحران سوریه مطرح کرد و سپس در قاهره از ایران به‌عنوان بخشی از راه حل مساله سوریه نام برد. پس از ملاقات مرسی و احمدی نژاد در تهران، وزیر امور خارجه ایران اظهار داشت که تهران برای تبادل سفیر با قاهره آماده است. سپس کاخ سفید موضوع روابط تهران و قاهره را مساله‌ای مربوط به حاکمیت مصر خواند. گرچه اختلاف بر سر شناسایی اسرائیل بین ایران و مصر همچنان باقی است و باقی خواهد ماند، اما از نفوذ اسرائیل و آمریکا بر قاهره به‌مراتب کاسته شده و از طرفی تحول در روابط مصر با اسرائیل و آمریکا به تحول در مواضع ایران و قاهره نسبت به یکدیگر کمک کرده است.

## ۲. نگرش نخبگان جدید مصر نسبت به حماس و حزب الله

افکار عمومی مصر در مجموع نگرشی مثبت به حزب الله لبنان و حماس دارند. در تابستان ۲۰۰۶ و پاییز ۲۰۰۸ در قاهره و اسکندریه به حمایت از حزب الله و حماس، مصری ها تظاهرات کردند.<sup>۳۹</sup> فهمی هویدی معتقد است: «در نتیجه یک مصر دموکراتیک، حکومت باید به خواسته های شهروندان گوش کند ... شهروندانی که خواستار فاصله گیری از اسرائیل و آمریکا ... و خواستار حمایت از فلسطینی ها هستند».<sup>۴۰</sup> محمود شکری، دیپلمات و عضو تحریریه هفته نامه /الهرام، بیان می دارد: «سیاست خارجی مصر دست خوش تحول شده است و مصر در جهتی نو حرکت خواهد کرد ... ما نظرات بخش های خارجی را مورد توجه قرار می دهیم اما بر اساس منافع ملی مان تصمیم خواهیم گرفت».<sup>۴۱</sup> طارق فهمی، کارشناس امور اسرائیل در مرکز مطالعات خاورمیانه در قاهره، می گوید: «هم اکنون روابط مصر و اسرائیل دچار چرخش شده است و هیچ کشوری نمی تواند سیاست هایش را به قاهره تحمیل کند».<sup>۴۲</sup> نبیل العربی، اولین وزیر امور خارجه دولت موقت مصر، چند هفته پس از پیروزی انقلاب، محاصره غزه را یک امر «شرم آور» خواند و از «بازگشایی سریع و دایمی» مرز غزه و پایان هم دستی با اسرائیل علیه حماس اطلاع داد.<sup>۴۳</sup> پس از آن مقامات فلسطینی اعلام کردند که قاهره میزبان نشست محمود عباس و خالد مشعل خواهد بود. در ۲۷ آوریل ۲۰۱۱ با میانجی گری مصر دو گروه فتح و حماس در خصوص برگزاری انتخابات جدید پارلمانی توافق کردند. بر خلاف دوره مبارک مقامات مصری بدون مشورت با اسرائیلی ها دست به این اقدام زدند. و/شینگتن پست در این خصوص نوشت که این اقدام مصر «برای اسرائیل ناراحت کننده بود ... برای اسرائیل که مخالف مصالحه فلسطینی هاست ... و برای آمریکا که مصر را شریکی برای کنترل مذاکرات صلح می دانست».<sup>۴۴</sup> سیلوان شالوم در زمینه مواضع جدید مصر نسبت به فلسطینی ها به رادیو اسرائیل گفت: «این تغییرات مهم در سیاست مصر موجب افزایش نفوذ ایران در غزه خواهد شد». سامی حافظ عنان، رئیس ستاد ارتش مصر، در واکنش به سیلوان شالوم اظهار داشت: «اسرائیل حق مداخله ندارد، این موضوع به مصر و فلسطین مربوط است».<sup>۴۵</sup> در پی آن نتانیاهو در این مورد به رسانه ها گفت که برای گفت و گو با حکومت انتقالی یک نماینده سیاسی به قاهره فرستاده است. روزنامه زمان ترکیه در این مورد

نوشت: «ژنرال‌هایی که هم‌اکنون در قاهره قدرت را در دست دارند، با وادار کردن حماس و فتح به خاتمه دادن به مناقشات فی‌مابین در پی کسب اهرم‌هایی برای فشار بر اسرائیل‌اند».<sup>۴۶</sup>

در واقع مصر در دوره مبارک به چند دلیل سیاست غیردوستانه‌ای را نسبت به حماس و حزب‌الله در پیش گرفته بود. رژیم مبارک در داخل از جانب اسلام‌گراها تهدید می‌شد و مصر احساس می‌کرد که تقویت این گروه‌ها تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران است، که با حمایت از اسلام‌گرایان مصر در صدد بی‌ثباتی رژیم قاهره است. پس از مبارک به‌مراتب از نفوذ اسرائیل و آمریکا در مصر کاسته شده است، اسلام‌گرایان در ساخت سیاسی مصر در حال قدرت‌گیری‌اند و دلیلی برای ترس از حماس و حزب‌الله و یا حمایت‌های معنوی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران از این گروه‌ها در خصوص ثبات سیاسی مصر وجود ندارد. حزب‌الله لبنان پیروزی مرسی را در انتخابات ریاست جمهوری مصر در ژوئن ۲۰۱۲ یک «پیروزی تاریخی» خواند و ابراز امیدواری کرد که مصر دگرباره نقش منطقه‌ای خود را به‌دست آورد و آینده منطقه را تعریف نماید. حماس نیز از پیروزی اخوان‌المسلمین در انتخابات ریاست جمهوری استقبال نمود. به‌ویژه با فاصله‌گیری حماس از حکومت سوریه، حکومت جدید مصر حمایت بیشتری از حماس نموده است. هنگامی که اسرائیل در نوامبر ۲۰۱۲ علیه نوار غزه دست به تجاوز زد، قاهره بلادرنگ سفیرش را از اسرائیل فراخواند و هشام قنديل، نخست‌وزیر مصر، برای یک سفر چند ساعته وارد نوار غزه شد و سپس از اتحادیه عرب تقاضا نمود که یک نشست اضطراری برای بررسی موضوع تشکیل دهد. همچنین نماینده مصر در سازمان ملل از قاهره دستور گرفت که از شورای امنیت برای تشکیل جلسه اضطراری تقاضا نماید. در نهایت مصر و ایالات متحده با همکاری یکدیگر، اسرائیل و حماس را به برقراری آتش‌بس وادار نمودند. در مقایسه با دوره مبارک، مصر هم‌اکنون با رویکردی به‌مراتب دوستانه‌تر به حزب‌الله و حماس می‌نگرد. برخلاف حسنی مبارک که حماس را دوست مصر تلقی نمی‌نمود، اخوان‌المسلمین و حزب عدالت و آزادی مصر به حماس به‌مثابه «فرزند سیاسی» خویش می‌نگرند.

### ۳. مواضع مقامات دو دولت در خصوص از سرگیری روابط رسمی دیپلماتیک دو کشور

انقلاب مصر فصلی جدید در روابط ایران و مصر گشوده است. در سال‌های گذشته برخی از مقامات ایران از جمله محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، اعلام کرده بودند که ایران برای برقراری روابط رسمی با مصر آماده است، اما مبارک اشتیاقی برای برقراری روابط با ایران نداشت. علی‌اکبر صالحی پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر اظهار داشت: «ایران و مصر دو ستون مهم از دنیای اسلام هستند»<sup>۴۷</sup> و اگر دعوت شود به‌طور قطع به قاهره سفر خواهد کرد؛ این اتفاق نیز افتاد و وی که برای شرکت در نشست وزرای خارجه جنبش عدم تعهد در شرم‌الشیخ شرکت نموده بود، از مصر برای نشست آتی گروه عدم تعهد به میزبانی تهران در تابستان ۲۰۱۲ دعوت کرد. بلافاصله پس از انقلاب در ۲۲ فوریه ارتش مصر به دو رزم‌ناو ایرانی اجازه داد که به مقصد لاذقیه از کانال سوئز عبور نمایند. این اولین باری بود که رزم‌ناوهای ایرانی پس از سه دهه اجازه می‌یافتند از کانال سوئز عبور نمایند.<sup>۴۸</sup> در اوایل آوریل، نبیل‌العربی اعلام کرد: «مصر فصل تازه‌ای از روابط با هر کشوری در جهان خواهد گشود ... ایران دشمن ما نیست، ما در هیچ جایی هیچ دشمنی نداریم». وی همچنین افزود که «قاهره برای «گشودن فصلی جدید» در روابط با ایران آماده است ... مردم ایران و مصر شایسته داشتن روابط متقابلی هستند که بازتاب تاریخ و تمدن‌هایشان باشد».<sup>۴۹</sup> در ۲۵ می، نبیل‌العربی و علی‌اکبر صالحی در حاشیه نشست جنبش عدم تعهد در بالی اندونزی با یکدیگر ملاقات و بر سر چشم‌انداز روابط دوجانبه با هم بحث و گفت‌وگو کردند. کمتر از یک هفته بعد یک هیات ۵۰ نفره از چهره‌های شناخته شده مذهبی، فرهنگی و انقلابی مصری وارد تهران شدند. علی‌اکبر صالحی حضور هیات مصری در تهران را گامی در جهت آماده‌سازی بستر از سرگیری روابط دو دولت خواند و اظهار داشت که ایران آماده است «هرچه زودتر» روابط رسمی با مصر را از سر بگیرد. محمود احمدی‌نژاد در حضور هیات اعلام کرد که به محض اینکه از قاهره دعوت‌نامه‌ای دریافت کند بلادرنگ به مصر خواهد رفت.<sup>۵۰</sup>

مواضع نخبگان جدید مصر در خصوص رابطه با ایران موجب نگرانی و واکنش اسرائیل و عربستان و دولت‌های حوزه خلیج فارس شد. مصر در دوره مبارک در کنار عربستان و اردن، جزو «ائتلاف دولت‌های میانه‌رو» در خاورمیانه محسوب می‌شد. عربستان و دولت‌های حوزه خلیج فارس نگران

شده‌اند که تجدید روابط قاهره و تهران توازن قوای منطقه‌ای را به نفع ایران تغییر دهد. در واکنش به مواضع مقامات مصر در خصوص تجدید روابط با ایران، عربستان و دولت‌های خلیج فارس برای فشار بر مصر محدودیت‌هایی در خصوص کارگران خارجی در کشورهای خود اعمال کردند که عملاً کارگران مصری را تحت فشار قرار می‌داد. بیش از یک‌ونیم میلیون کارگر مصری در این کشورها مشغول کار هستند. عربستان از سویی دیگر هم‌زمان به مصر وعده کمک‌های چندمیلیاردی داد. فواز جرجس باور دارد که ریاض برای باز داشتن مصر از تجدید روابط با ایران اهرم کمک‌های مالی را به کار گرفته است.<sup>۵۱</sup> نبیل العربی در چهارم جولای برای رفع نگرانی اعراب اظهار داشت: «روابط با ایران به هزینه روابط مصر با دولت‌های خلیج [فارس] یا به هزینه امنیت و ثبات آنها نیست».<sup>۵۲</sup> عصام شرف، نخست‌وزیر وقت مصر، در اواخر آوریل به ریاض سفر کرد و در ملاقات با ملک عبدالله از قصد مصر برای بهبود روابط با ایران گفت و برای رفع نگرانی دولت‌های حوزه خلیج فارس اظهار کرد که «امنیت دولت‌های خلیج [فارس] را تضعیف نخواهیم کرد؛ چراکه امنیت دولت‌های خلیج [فارس] برای ما و برای امنیت ملی مصر اهمیت دارد».<sup>۵۳</sup> با این حال، در ۳۰ می مصر یک مامور سیاسی ایرانی را به اتهام جاسوسی اخراج کرد. علی‌اکبر صالحی این مساله را یک «سوءتفاهم» خواند. برخی از تحلیلگران باور دارند که این اقدام مصر و همچنین دور کردن نبیل العربی از وزارت خارجه مصر و فرستادن وی به دبیر کلی اتحادیه عرب واکنش قاهره به حساسیت عربستان و کشورهای حوزه خلیج فارس به تلاش مصر برای تجدید روابط با ایران بوده است.<sup>۵۴</sup> منها باخوم، سخنگوی وزارت خارجه مصر، در اواخر آوریل در خصوص شایعه بازگشایی سفارت تهران در قاهره به رسانه‌ها گفت: «برقراری روابط دو کشور تا پیش از یک توافق دوجانبه ناممکن است».<sup>۵۵</sup> امیر قطر در خصوص مواضع جدید قاهره در رابطه با ایران با مقامات مصر ملاقات کرد و محمد حسین طنطاوی در دیدار با وی اظهار داشت «راهبرد ما به ما اجازه نمی‌دهد که یک قدرت پرنفوذ منطقه شبیه ایران را نادیده بگیریم».<sup>۵۶</sup>

در ۳۰ اگوست ۲۰۱۲ رئیس‌جمهوری مصر برای شرکت در نشست سران جنبش عدم تعهد وارد تهران شد و با رئیس‌جمهوری ایران دیدار کرد. پس از آن وزیر امور خارجه ایران از آمادگی تهران برای تبادل سفیر با مصر گفت، اما در قاهره سخنگوی رئیس‌جمهوری اظهار داشت که

دیدار مرسی و احمدی نژاد به معنای ارتقای سطح روابط دیپلماتیک دو دولت نیست. رئیس جمهوری مصر در حاشیه نشست سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل در پاییز ۲۰۱۲ در حضور رسانه‌ها در پیوند با ایران اظهار داشت که ما مساله مهمی با آنها نداریم و روابط ما با آنها مثل سایر دولت‌های دنیا عادی است. سپس در نوامبر ۲۰۱۲ روسای جمهوری مصر و ایران در خصوص تجاوز اسرائیل به نوار غزه طی گفت‌وگوی تلفنی بر ضرورت اجماع بین‌المللی علیه تجاوز اسرائیل تاکید نمودند. به علاوه، رويترز از انتقال بیش از ۶ تن نفت خام ایران از طریق کانال سوئز به بازارهای جهانی به رغم تحریم‌های اتحادیه اروپا و امریکا علیه صنعت نفت ایران خبر داده است. پس از انقلاب مصر سیاست خارجی آن متحول شده است، اما قاهره برای تجدید روابط با تهران با محدودیت‌هایی نیز مواجه است، بازتاب تأثیرات انتظارات پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس در موضع‌گیری‌های مرسی در خصوص ایران آشکار است. روابط مصر و ایران به کندی در حال گسترش است. عادل سلیمان، مدیر مرکز مطالعات آینده در قاهره، می‌گوید: «مقامات جدید، افکار عمومی و کارشناسان مراکز مطالعاتی قاهره از تجدید روابط با ایران حمایت می‌کنند اما از آنجا که گفت‌وگویی بین دو دولت وجود ندارد، دو دولت در ایجاد هرگونه پیوند مهم ناکام مانده‌اند.»<sup>۵۷</sup>

### نتیجه‌گیری

رفتار دولت‌ها در نظام بین‌المللی تبعات بی‌پایانی دارد. تبعات سیستمی تلاش ایران و مصر برای تامین امنیت خویش در نظام آنارشیک منطقه‌ای خاورمیانه، اغلب اثراتی ناخوشایند برای یکدیگر داشته است. عدم شناسایی وجود معمای امنیتی در روابط بین‌المللی خاورمیانه از سوی رهبران دولت‌های تشکیل‌دهنده این نظام، مانع از تخفیف اثرات ساختار آنارشیک منطقه‌ای بر روابط دولت‌ها در خاورمیانه شده است. در طول سه دهه گذشته جهت‌گیری دو دولت ایران و مصر نسبت به ایالات متحده و اسرائیل، حمایت مصر از عراق علیه ایران، حمایت ایران از دو گروه اسلام‌گرای حماس و حزب‌الله بر تصور تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر تأثیر گذاشته است. افزایش و یا کاهش تنش در روابط دو دولت تحت تأثیر تصور تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر

قرارداشته است. هرگاه که احساس تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر افزایش یافته دو دولت از هم دور شده‌اند و شدت تصور تهدید در نهایت به قطع روابط دیپلماتیک دو دولت منجر شده است. گاهی نیز تحولات موجب شده است که دو دولت نسبت به یکدیگر به مثابه عامل نگرانی ننگرند که موجب بهبود روابط فی‌مابین شده است. انقلاب اخیر مصر تحولاتی ظریف در سیاست خارجی مصر به بار آورده و از شدت تصور تهدید دو دولت نسبت به یکدیگر کاسته و زمینه‌های کلی برقراری روابط دیپلماتیک دو دولت فراهم شده است. تجدید روابط ایران و مصر بر توازن قوای منطقه‌ای اثرگذار خواهد بود. لذا پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس اهرم‌هایشان را به کار گرفته‌اند که بر محاسبات قاهره در خصوص تجدید روابط با تهران تاثیر بگذارند. بحران سوریه و کیفیت حضور دو دولت در مسائل فلسطین نیز بر چالش‌های فراروی تجدید روابط ایران و مصر افزوده است. بنابراین، اقدامات مثبت طرفین و گسترش کنترل شده روابط می‌تواند به تدریج تصور تهدید طرفین را از بین ببرد و زمینه را برای گسترش روابط و تثبیت آن فراهم نماید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. علیرضا ازغندی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: قومس، ۱۳۸۱، صص ۲۴-۱۵.
2. Stephen Walt, *the Origins of Alliances*, Ithaca: Cornell University Press, 1987, pp. 21-27.
3. Ibid., p. 33.
4. Stephen Walt, *Revolution and War*, Ithaca: Cornell University Press, 1996, pp. 31-43.
5. Ibid., p. 76.
6. Stephen Walt, "Why Alliances Endure or Collapse," *Survival*, Spring 1977, Vol. 39, No. 1, pp. 8-11.
7. Stephen Walt, "Alliance in a Unipolar World, *Survival*, 2008, Vol. 9, p. 17.
8. Sohrab Sobhani, *the Pragmatic Entente: Israeli-Iranian Relations, 1948-1988*. New York: Praeger, 1989.
۹. اصغر جعفری ولدانی، ایران و مصر چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران: انتشارات مرز فکر، ۱۳۸۸.
10. Laura James, "Nasser and His Enemies," *the Middle East Review of International Affairs*, January 2005.
۱۱. اصغر جعفری ولدانی، روابط خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۸۲، ص ۸۱.
12. Majid Khadduri, *Republican Iraq*, London: Oxford University Press, 1969, pp. 39-41.
۱۳. اصغر جعفری ولدانی، ایران و مصر چالش‌ها و فرصت‌ها، صص ۲۸-۲۷.
14. Sohrab Sobhani, op.cit., p. 56
15. Fouad Ajami, "the End of Pan-Arabism," *Foreign Affairs*, 1978-1979, Vol. 57, No. 2, p. 26.
16. Tawfiq Hasou, *the Struggle for the Arab World*, London, KPL. 1985, pp. 86-87.
۱۷. مختار حسینی، «نقش مصر در جنگ عراق و ایران»، فصلنامه نگین ایران، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۱، صص ۶۲-۶۱.
۱۸. سیف‌الرضا شهابی، دیدگاه‌های شورای همکاری خلیج فارس، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶، صص ۳۱-۲۳.
۱۹. سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۸، ص ۱۳۴.
20. "Egypt Bars Iranian Activists from Gaza," *Reuters*, January 1, 2011, <http://in.reuters.com/article/2010/12>
21. Ibid.
22. Coban Helena, *Modern Lebanon*, Boulder, Colorado: West view Press, 1985.
۲۳. روزنامه کیهان، ۱۴ مرداد ۱۳۸۶.
24. *The New York Times*, 18 September, 2006.

25. "Egypt Accuses Hezbollah of Plotting Attacks and Arms Smuggling to Gaza," *New York Times*, April 13, 2009.
۲۶. اصغر جعفری ولدانی، «ایران و مصر: دیدگاه‌های متعارض»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۰۱.
27. Stephen Walt, *the Origins of Alliances*, op.cit., p. 73.
28. Jordan D'amato Anthony H. Cordesman Arleigh A. D'Amato, "US Competition with Iran: Energy, Economics, Sanctions, and Nuclear Issue," *Center for Strategic and International Studies*, March 11, 2011.
۲۹. آفتاب، ۱۰ شهریور ۱۳۹۰.
30. Adam Morrow and Khaled Moussa al-Omrani, "Post-Mubarak Egypt Inches toward Iran," June 28, 2011, file:///I:/Post-Mubara20EgypnchesAntiwar.com.htm
31. "Egypt Front-Runner Seeks Israel Reset; Amr Moussa, Top in Polls for President, Wants to Reassert Cairo's Dominance," *Wall Street Journal (Online)*, May 5, 2011.
32. Jermy Sharp, "Egypt: the Junery 25 Revolution and Implication for US," *Foreign Policy*, September 11, 2011 at: [www.crs.gov](http://www.crs.gov)
۳۳. اصغر جعفری ولدانی، ایران و مصر چالش‌ها و فرصت‌ها، ص ۲۸ - ۲۷.
۳۴. کیهان، ۲۵ مرداد ۱۳۹۰.
35. "Egypt's Changing Foreign Policy," *Almasery Alyoum*, Wed 30 Nov 2011.
36. Jonathan Cook, "Egypt and Israel Heading for Crisis," Sabbah on May 7, 2011 [www.sabbah.biz](http://www.sabbah.biz)
37. U.S.: Egypt's Moves Rasing Anxiety in Washington, Jim Lobe, Global Information Network, New York: May 4, 2011.
38. "Egypt's Changing Foreign Policy," *the Washington Post*, 17 Nov 2011.
۳۹. کیهان، ۲۳ مرداد ۱۳۸۵.
40. "Egypt must Revise Relations with U.S. and Israel," *Tehran Times*, Monday, 17 October 2011.
41. "Doaa El-Bey," *Al-Ahram Weekly*, 5-11 May 2011.
42. Salah Al-Nasrawi, "Rethinking Egyptian-Iranian Relations," Wednesday 8 Jun 2011, at: <http://english.ahram.org.eg/News/13884.aspx>
43. Emilio Morenatti, "In Shift, Egypt Warms to Iran and Hamas, Israel's Foes," *Associated Press*, April 28, 2011.

44. Marwa Awad, *Today's Zaman*, 28 August 2011, also: "In Shift, Egypt Warms to Iran and Hamas, Israel's Foes," *New York Times*, April 28, 2011. [http://www.nytimes.com/2011/04/29/world/middleeast/29egypt.html?\\_r=2](http://www.nytimes.com/2011/04/29/world/middleeast/29egypt.html?_r=2) (accessed August 10, 2011)
45. Ibid.
46. Marwa Awad, *Today's Zaman*, 28 August 2011.
47. Will Fulton, "Ariel Farrar-Wellman, Robert Frasco, Egypt-Iran Foreign Relations," August 11 2011, at: [www.irantraker.org](http://www.irantraker.org)
48. "Iranian Warships Cross Suez Canal," *the Guardian*, 22 February 2011.
49. "Revolution Warms Egypt-Iranian Relations," *Al-Ahram Weekly*, 11 Jun 2011
50. "How New is Egypt's 'New' Foreign Policy?" *Jurashalim Post*, 17 September 2011.
51. "Iran –Saudi a New Cold War," *Asia Times*, 7 August 2011.
52. "Egyptian FM: [Persian]Gulf Fears of Egypt-Iran Detente 'unjustified'," *Almasry Alyoum*, 17 April 2011, at: <http://www.almasryalyoum.com/en/node/403745>
53. "Egypt's Relations with Iran Won't be at Saudi Arabia's Expense, Confirms Arab League's New Head," *Al Arabiya News*, 4 July 2011, at: <http://english.alarabiya.net/articles/2011/07/04/155952.html>
54. "Egypt to Deport Iranian Diplomat Accused of Spying," *Voice of America*, 29 May 2011, at: <http://blogs.voanews.com/breaking-news/2011/05/29/egypt-to-deport-iranian-diplomat-accused-of-spying/>
55. Will Fulton, Ariel Farrar-Wellman, Robert Frasco, "Egypt-Iran Foreign Relations," 11 August 2011, at: [www.irantraker.org](http://www.irantraker.org)
56. Hassan Nafaa, "Egypt Chainging Foreign Policy," *Al-Ahram Weekly*, 30 November 2011.
58. "Revolution Warms Egypt-Iranian Relations," *Al-Ahram Weekly*, 11 June 2011.